



## تاملی بر تغییر ساختار شرکت‌های توزیع برق



نمی‌شود و به همین دلیل، هر کشوری الگویی خاص برای نحوه تعامل بین شرکت‌های توزیع و مشتریان نهایی برق وضع کرده‌است.

برق کالایی «شبه انحصاری» است که در تقسیم بندی «صنایع شبکه‌ای» و در کنار صنایعی همچون آب، گاز و فاضلاب قرار می‌گیرد. به همین دلیل تدوین ساختار و خصوصی سازی آن، شرایط ویژه‌ای می‌طلبد. تولید برق در اکثر کشورهای دنیا، بر عهده ترکیبی از بخش خصوصی و دولتی است. انتقال برق اما به صورت کامل در انحصار دولت‌ها قرار دارد. در بخش توزیع ولی شیوه‌های حضور بخش خصوصی، بسیار متنوع است. در این بخش شرکت‌های متنوعی از جمله دولتی، خصوصی، وابسته به شهرداری، ترکیبی و سهامی عام فعال هستند

ساختار اداری شرکت‌های توزیع نیروی برق در ۵ دهه اخیر، چندین بار تغییر کرده‌است. از مهم‌ترین تغییرات در این زمینه می‌توان به قانون تشکیل شرکت‌های توزیع برق مصوب ۱۳۷۱ و مصوبه هیات دولت در خصوص تغییر اساسنامه شرکت ساتکاب و تبدیل آن به شرکت مادر تخصصی توزیع برق در ۲۸ اسفند سال گذشته اشاره کرد. شاید این تغییرات که گاهی هم‌راستا نیز نیستند، این تصور را ایجاد کند که بهتر است از الگوی یکسانی که در این زمینه در کشورهای توسعه یافته به کار می‌رود اقتباس کنیم؛ اما واقعیت این است که چنین الگوی جهان شمولی برای شرکت‌های توزیع برق وجود ندارد. فروش برق به گونه‌ای صورت می‌گیرد که قیمت و کیفیت آن، در مذاکره رودرروی یکایک فروشندگان و خریداران تعیین

بخش توزیع به عنوان حلقه نهایی زنجیره تامین برق مشترکان و متقاضیان برق و تنظیم‌کننده نحوه و کیفیت ارتباطات و میزان جالب مشارکت مشترکان با صنعت برق، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش حیاتی در ارتقای میزان رضایت مشترکان و متقاضیان و پایداری اقتصادی صنعت برق ایفا می‌کند. به همین دلیل، ضروری است مسوولان صنعت برق در طراحی ساز و کارهای اداری این بخش، همواره در کنار مسایل اقتصادی، به جنبه‌های اجتماعی نیز توجه داشته باشند. شاید همین اهداف چند جانبه است که اجازه نمی‌دهد یک راه حل تجربه شده در سایر بخش‌های اقتصاد کشور، به راحتی و بدون هیچ تغییری، در مدیریت شرکت‌های توزیع نیروی برق الگوبرداری شود.

فعالیت‌های شرکت توانیر در قالب سه شرکت جدید، می‌تواند گامی جدی برای خصوصی‌سازی در صنعت برق تلقی شود. با این حال عده‌ای دیگر بر این باورند که

با تغییر ساختار، نمی‌توان اهداف در نظر گرفته شده را تأمین کرد زیرا قیمت برق یارانه‌ای در ایران، همواره مانند سدی است که باعث کاهش تمایل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش‌های مختلف

**برق مثل خون در بدن است و حتی اگر مدت کوتاهی جریان آن قطع شود، مشکلات فراوانی به وجود می‌آید و اقتصاد کشور به شدت آسیب می‌بیند. به همین دلیل بهتر است از حرکت‌های غیر کارشناسی و شتاب‌زده در این بخش اجتناب کرد**

صنعت برق بویژه شرکت‌های توزیع برق می‌شود. یک کارشناس دانشگاهی در این زمینه معتقد است که نه تنها با تغییر نام یک شرکت از دولتی به غیردولتی نمی‌توان معمای خصوصی‌سازی را حل کرد، بلکه تغییر ساختار نیز راهگشا نیست؛ زیرا مساله اصلی عدم اقبال بخش خصوصی به فعال شدن در این بخش، ساختار اداری نیست بلکه قیمت و شاید هم ساختار قیمت‌گذاری است. از سوی دیگر اگر این مساله راه‌حل ساده‌ای داشت، می‌شد یک‌شبه تمام نهاد‌های دولتی را به خصوصی تبدیل کرد.

سید سعید وحیدی عضو سابق کمیسیون انرژی مجلس در این زمینه معتقد است تا هنگامی که مدیریت و مالکیت صنعت برق به صورت انحصاری در اختیار دولت و کالای برق نیز در سبب حمایتی دولت باشد و تا زمانی که بخش خصوصی مطمئن از عدم مداخله دولت در اداره این صنعت و سودآوری قابل قبول تجارت برق نشود، نمی‌توان به خصوصی‌سازی این صنعت امیدوار بود.

وحیدی می‌افزاید: اگر این‌گونه نبود، شرکت‌های توزیع برق می‌توانستند بخش مهمی از درآمد خود را از محل فروش برق کسب کنند؛ اما در حال حاضر این شرکت‌ها تنها خریدار برق و فروشنده آن به مشترکان عادی هستند که اغلب به دلیل محدودیت‌های تجاری، با مشکلات فراوانی نیز روبرو می‌شوند.

رانه؟! آیا واگذاری بخشی از سهام شرکت مادر تخصصی توزیع و حفظ ۲۰ درصد از سهام آن می‌تواند راهگشا باشد؟ یا آن که بهتر است ماموریت کنونی شرکت‌های توزیع، به چند بخش مختلف تقسیم شود و مثلاً بخش سیم‌داری را در انحصار دولت و بخش خرده‌فروشی برق را واگذار کرد؟

برق مثل خون در بدن است و حتی اگر مدت کوتاهی جریان آن قطع شود، مشکلات فراوانی به وجود می‌آید و اقتصاد کشور به شدت آسیب می‌بیند. به همین دلیل بهتر است از حرکت‌های غیر کارشناسی و شتاب‌زده در این بخش اجتناب کرد. الگوی ایجاد سه شرکت مختلف تولید، انتقال و توزیع در هر استان، الگویی است که از زمان تاسیس وزارت نیرو تا سال ۱۳۶۳ تمرین شده است و پس از آن، به الگوهای دیگری رسیده‌ایم. این شیوه اکنون که مسایلی مانند حقوق اعضای هیات مدیره شرکت‌ها به عنوان یک مساله موثر در افزایش هزینه‌های دولت مطرح است، نمی‌تواند شیوه کاملی به شمار آید. شاید بهتر باشد به جای این کار، در هر استان یک شرکت برق تاسیس شود که همه فعالیت‌های صنعت برق استان را ساماندهی کند. این فعالیت‌ها شامل اداره نیروگاه‌های دولتی، خرید از نیروگاه‌های خصوصی، انتقال و توزیع برق می‌شود. برخی از کارشناسان نیز پیشنهاد می‌کنند که مصوبه تغییر ساختار شرکت‌های توزیع برق، تا آذرماه امسال به تعویق بیفتد. بر اساس این پیشنهاد، می‌توان تا فرارسیدن فصل تدوین بودجه سال آینده، به این مصوبه تنفس داد تا پس از تجزیه و تحلیل ساختار موجود و ساختارهای قبلی توسط کارشناسان، مراکز پژوهشی و بخش خصوصی، به گونه‌ای کارشناسی مورد اجرا قرار گیرد. بدین ترتیب با بررسی مصداق‌های اجرایی، می‌توان به موفقیت اجرای این کار کمک کرد.

#### اصلاح قیمت برق؛ شاه کلید است

به نظر می‌رسد که پیشنهادکنندگان ساختار جدید، معتقدند که تفکیک

برخی کارشناسان می‌گویند در ۵۰ سال اخیر وزارت آب و برق و سپس نیرو، مرتب ساختار بخش توزیع برق را تغییر داده‌اند، بی‌آن‌که ساختارهای قبلی را آسیب‌شناسی کنند. به بیان دیگر، تحولات این بخش، عمدتاً تابع سلیقه‌ها بوده است. این روش باعث شده تا در پاره‌های موارد، از این بابت به شدت زیان ببینیم. البته تغییرات، نتایج مثبتی هم در جهت افزایش کارآمدی شرکت‌های متولی توزیع برق داشته است ولی مساله اینجاست که نه مزایا و نه معایب سیستم به خوبی مانیتور نشده است. نگاهی به سوابق اداری نشان می‌دهد که مطالعات مکتوب توسط کارشناسان زبده برق در این ماجرا بسیار کمتر از نیاز است؛ در حالی که در مورد مسایلی مانند واگذاری نیروگاه‌ها، تشکیل بازار و سپس بورس برق، اطلاعات و پژوهش‌های متنوع‌تری در اختیار داریم. به نظر می‌رسد در ساختار جدیدی که برای شرکت‌های توزیع پیش‌بینی شده است، برخی مسایل مورد توجه کافی قرار نگرفته است. از جمله این‌که مسئولین استان‌ها و استانی‌داری‌ها نمی‌دانند برای فعالیت‌های صنعت برق، با کدام شرکت باید تعامل داشته باشند. هر چند اکنون نیز مرز شفاف و مشخصی بین شرکت‌های انتقال و توزیع وجود ندارد و انشعاب از پست‌های ۴۰۰ و ۲۲۰ کیلوولت توسط شرکت انتقال نصب می‌شود؛ ولی به هر حال، عمده مسوولیت‌ها بر عهده شرکت‌های توزیع استانی است. در حالی که اگر ساختار جدید اجرایی شود، حل و فصل بسیاری از مسایل برق در استان‌ها، در گروی مداخله ستاد مرکزی شرکت مادر تخصصی توزیع خواهد بود.

از سوی دیگر صدر اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید دارد که تأمین برق بر عهده حاکمیت است. برای این‌کار، باید ۲۰ درصد فعالیت‌های این بخش در انحصار دولت باقی بماند. به همین دلیل برخی نیروگاه‌ها از فهرست واگذاری کنار گذاشته شدند؛ اما این مساله در بخش توزیع چگونه پیگیری می‌شود؟ آیا می‌توان شرکت توزیع یک استان را واگذار کرد و دیگری